

## « آگاهی سرآغاز آزادی است »

با درود و سپاس بر همه هم میهنان ارجمند

برباور همه اندیشمندان هرنوشته، هرسروده، هرگفته پیامی دارد که نشان دهنده خواسته و دانش و بینش و اندیشه و آرمان نویسنده، سراینده و یا گوینده آنست.

از خویشکاری هر خواننده یا شنونده هم هست درباره آنچه را که میخواند، یا می شنود، و درمی یابد که با گوشه هایی از زندگی او بستگی دارد به ژرفی و با خرد و دانش و بینش خود بسنجد تا درستی و نادرستی هودگی و بیهودگی سود یا زیانش را دریابد تا بتواند آگاهانه گام در راهی نهد که او را بسرمنزل آرزوهایش میرساند.

اگر چنین نکند و بی چراغ خرد در راهی ناشناخته گام نهد نه تنها هرگز به آن خواستگاه نمیرسد چه بسا در چاهی بس ژرف نیز سرنگون گردد.

این چاه ژرف همان چاهی است که از ۱۴۰۰ سال پیش از این تازیان بیابان گرد با گفتن الله و اکبر و با در دست داشتن نسکی بنام کلام الله نخست نیاکان ما را پس از یک شکست نظامی در آن افکندند سپس درهالی که در همان چاه دست و پا میزدند به مرده ریگیری به ما نیز رسید، بی آنکه ما از گذشته دردناک آن آگاهی درستی داشته باشیم همانگونه که امروز هم ناآگاه تر از گذشته هستیم با نیرنگ گروهی دغلباز و شیباد، در پوشاک دین داری بنام آخوند و آیت الله که پرچمدار آرمان تازیان هستند همچنان در همان چاه بی انتها فروتر میرویم. آنچنان خموش و رام و آرام که کوچکترین سدایی هم از ما برنمیخیزد.

بهبیچرویی آماده بهره گیری از خرد خود در راهی خویش نیستیم تا لختی بیندیشیم، چه شده است که ما دست از آنهمه والایی و سرفرازی تاریخی و فرهنگی شسته و این چنین چشم و گوش بسته فرمانبردار روان تازیان تازشگر بر میهن و تاریخ و فرهنگ نیاکان خود شده ایم.

و یکبار هم این رنج کوچک را به خود راه نداده ایم تا کلام الله ترجمه به فارسی رهاورد اسلام را بخوانیم و دریابیم که پیام آسمانی آمده در این دفتر چیست؟

آیا بلایی است آسمانی و یا نسیمی از آزادی و آزادیخواهی براندیشه الله فرستنده او وزیده است؟

و چرا گروهی دستار بند دینی با بهره گیری از این ناآگاهی آنچنان در مغز و اندیشه و روان ما رخنه کرده اند که هر روز ما را در این چاه بی پایان فروتر میبرند. در بندگی و بردگی و پستی پذیری و خودآزاری از ما کاسه ای گرمتر از آتش ساخته و کار را بجایی رسانیده اند که در سال روز مرگ کشتارگران نیاکان ما و نابود کنندگان فرهنگ و تاریخ درخشان میهن همچون دیوانگان زنجیری با مشمت و کارد و غمه و ساتور و زنجیر به جان خود می افتیم سر و جان خویش را خونین و مالین می کنیم و سپس از درد زیاد می نشینیم و های های می گرییم بی آنکه بدانیم چرا و بهره این کار بالاتر از ابلهانه ما چیست؟

هرگز هم در نیافته ایم که اینگونه بزرگداشت نابخردانه برای کشتارگران تازی سرزنش بزرگی است بر نیاکان با فر و شکوه ما. همچنین هیچگاه نینشیده ایم که آیا تازشگران تازی پیام آوران آزادی و نیکبختی و شادی و بهزیوی بوده اند که باید اینچنین مورد ستایش قرار گیرند یا رهاوردشان بردگی و بندگی و غلامی و کنیزی شرم آور و کشت و کشتار و تاراج بوده است؟

در این رهگذر بررسی داستان امام علی و فرزندان او و سپس تازی نامه بهترین نمونه هایی هستند که میتوانند یاری بخش ما در روشن شدن درستیها باشند که اگر بخوایم از خرد خود بهره بگیریم.

پس از این روشنگری است که میتوان گره کور پیوند نادرست گره خورده روان ما را با دشمنان آزادی و آزادمندی شناخت و با بریدن آگاهانه این گره کور دگر باره آزادی از دست داده را بدست آورد و به آغوش پر مهر تاریخ و فرهنگ میهن باز گشت.

گام نخست این است که دریابیم آیا امام علی پیشوای شیعیان جهان و امام حسین پسر او و دیگر فرزندان او سر و جان خود را در راه زنده نگاهداشتن اسلام بریاد داده اند؟

بی گمان پاسخ آری است، چه تاریخ اسلام و نگهبانان آن هیچگاه سخنی جز این نگفته اند. بالینکه رویداد درون خانوادگی بیابان کربلا تازیان کوچکترین پیوندی با ایران و ایرانیان نداشت و ندارد زیرا کشنده ها و کشته شدگان همه و همه از یک خانواده و بازمانده ای از عبدمناف تازی نیای بزرگ محمد و علی و ابوسفیان و و می باشند.

ولي شوربختانه چون در پي چيره شدن تازيان بر ميهن ما اسلام رهاورد محمد برگردن نياکان ما نهاده شد و نگاهبانان ريز و درشتي هم بنام «حجت الاسلام، فقه الاسلام، آيت الله» بر آموزش دادن و گسترش آن گماردند بدینسان ناخواسته و نادانسته ايرانيان مرده ريگبر «وارث» اين ماندگ شوم بيبان گردان تازي گردیدند.

اين گماشتگان دغلكار همان نسكي را كه بنام كلام الله و با زبان تازيان بدست نياکان ما داده شده بود و خواندنش را براي آمرزش روان مردگان گناهكار سودمند میدانستند تا از گناهانشان كاسته شود. پایه و اساس كار خود قرار دادند. با بكارگيري گروهی پشت به ميهن تر از خود بنام «روضه خوان، پاي منبري خوان، نوحه خوان، رمال، فالگیر، دعانويس، درويش، تعزیه خوان» و و در سودجوییهاي ویژه به خود اين تنور نادان پروري تازي پرستي را همواره داغ و گرم نگاهداشتند كه امروزه با فرمدايي ولايت مطلقه فقيه نه گرم تر و داغ تر. كه شراره هاي سوزان آن را با همه وجودمان در جسم و روح خود درمي يابيم.

همانگونه كه درگذشته چه درمزگنها، خانه ها، كوچه و بازارها همه جا سخن از اين بوده است كه امام علي سرور آزادگان و امام حسين سالار شهيدان، سر و جان خود را در راه زنده نگاهداشتن اسلام ناب محمدي و قرآن اذست داده اند كه امروزه اين گفتارها با ساختن هزاران مزگت سدها برابري شده است، كه پگفته آنان اسلام آزادي و برابري و برادري و دادگري براي همه جهانيان به ارمغان آورده است كه اگر اينان سر و جان خود را در راه آن نمي باختند تا به امروز ردپايي از اسلام و مسلماني در جهان بر جاي نمي ماند و بيدادگري سراپاي جهان را فرا ميگرفت و آنگاه صاحب الزمان ناگزير به بازگشت بود تا با كشتار دستجمعي جهان را پرا زداد كند.

به ارجگزاري بر اين سرور آزادگان و آن سالار شهيدان سده هاي بشماري است كه مردم ساده انديش و فريب خورده به شيوه هاي گوناگون كه گفته شد همچون ديوانگان رها شده از بند آنچنان برجان خویش تازش ميبرند كه گويي تيشه بركنده ميزنند و خود نميدانند كه چرا؟

براي رهايي اين ديوانگان خردباخته نياز به دل سوزي و ديگرمسلمانان به بند روان تازيان گرفتار آمده بهترين راه درمان آگاهي از درونمايه قرآن رهاورد محمد رسول الله است كه پایه و اساس اسلام برآن استوارميباشد. از اين روي برآن شدم تا با نگرشي كوتاه بدون مايه قرآن نشان دهم كه كوچكترين ارمغاني براي نيكيختي مردم و رهايي از بند بردگي در آن ديده نشده و نميشود. كه در پايدارنگهداشتنش آنهمه خونهاي بيشمار بر زمین ريخته شده و پایه اينهمه بدبختي هاي ديوانه وار را پي ريزي کرده و خواب ازچشمان گروهی بيشمار گمراه ربوده اند.

وهال اين شما و اين هم بخشي كوچك از كلام الله رهاورد اسلام ناب محمدي كه پس از شنيدن خواهد دريافت آيا برده و بنده و غلام و كنيز زيستن گروهی، آنهم بنام ملكي متصرفي مالك، مايه ننگ و شرمساري است، يا سرافرازي دارد؟ اگر سرافرازي دارد، كسانيكه بدان گردن نهاده اند همچنان گردن نهند و بمانند و شادمان هم باشند. ولي اگر در مي يابند كه غلام بودن و بردگي و بندگي و كنيزي رهاورد اسلام يعني آزاد بودن مالك در همبستري با آنان است از اين سرشكستي و ننگ دوري گزينند و به راه آزاد زيستن سرفرازانه باز گردند.

كلام الله تازيان كه سراپايش سخن از كشت و كشتار و گردنه بندي و غلامي و كنيزي است بر باور من برخاسته از مغز بيماري رواني ميباشد كه تهی از هرگونه دانش و منش و خرد و اندیشه است.

الله آمده دركلام الله، نه تنها دشمن آشتي ناپذير آزادي و آزاديخواهي است كه يكي از بزرگترين ديكتاتورهاي جهان هستي ميباشد همه فرمانهايش پستي پذيري، ناله و زاري شبانه روزي بسوي او، دوري گزیدن از خنده و شادي و بهزيوي است.

الله آمده دركلام الله، با دستورات دهشتناكش چنان مينمايد كه ديوانه ای است زنجيري و درنده خو از تيمارستاني فرار کرده و در پي انتقام جويي از همه كس و همه چيز ميباشد.

اندك نگاهی به شكجه ها در شكجه گاهش دوزخ آمده در سوره هاي بيشمار كلام الله، چهره اهريمي او را هر چه بيشتر و بيشتر آشكار ميسازد. اگر بخواهم بخش كوچكي از دستورات نابخردانه اش را برابر آيه هاي آمده در كلام الله به آگاهی شما برسانم شوربختانه در زمان كم اين سخنراني در خورگنجابش نيست.

ولي شما ميتوانيد با دستيابي بر قرآن ترجمه به فارسي مهدي الهي قمشه اي كه زير شماره ۶۲ - بتاريخ ۳۱/۳/۱۳۶۷ به گواهي وزارت ارشاد اسلامي رسيده است به چگونگي درونمايه باور نكردني آمده در قرآن دسترسي پيدا كنيد.

اين الله دشمن آزادي بويژه دشمن آشتي ناپذير با زنان نه تنها مردان را به دو دسته آزاد و برده و بنده و غلام بخش کرده است كه زنان را نيمي از مردان دانسته و آن نيمه را هم به دو دسته آزاد و نا آزاد بخش کرده است.

اين الله گواهي هيچ زني را به تنهائي نمي پذيرد مگر آنكه دو زن در كنار يكمرد قرار بگيرند هال اگر زنان استاد دانشگاه باشند و مرد يك رفتگر ساده به اين آيه توجه كنيد.

۱- اگر دو مرد نيابيد يك تن مرد و دو زن هر كه را طرفين راضي شوند گواه گيرند سوره دوم «البقره» دنباله آيه ۲۸۲ هال كمى بينديشيد چگونه است كه همين الله بگناه نمازهاي شبانه روزي همه گواهي هاي دروغين يك زن را به تنهائي و در زير پوششي سياه و در اطاعي در بسته و بدور از چشم هر مرد درباره يكتا بودن خودش و رسالت رسولش مي پذيرد و سدائش هم در نمي آيد؟

۲- ... حكم خدا در حق فرزندان شما اينست كه پسران دو برابر دختران ارث برند ... سوره چهارم «النساء» آيه ۱۱.

۳- هر كه را وسعت و توانائي آن نباشد كه كه زنان پارساي با ايمان (و آزاد) گيرد پس كنيزان مومنه كه مالك آن شديد بزني اختيار كنيد ... پس با كنيزكان مومنه با اذن مالكش (بي هيچ كبر و نخوت) ازدواج كنيد و مهر آنها بدانچه معين شده بدهيد كنيزكاني كه عفيف باشند نه زناكار و نه رفيق دوستدار پس چون شوهر كردند چنانچه عمل زشتي از آنها سر بزند بر آنها نصف عذاب زنان پارساي با ايمان است.

سوره چهارم «النساء» آيه ۲۵:

اين حكم كنيز را به زني گرفتن درباره كسي است كه بترسد مبدا به رنج افتد (يعني به زحمت عزوبت يا گناه زناكاري افتد) و اگر صبر كند (تا وسعت يافته و زني آزاد بگيرد) براي نظم خانه و تربيت فرزند شما بهتر است.

۴- سوره چهارم، آيه ۳۴:

مردان را بر زنان تسلط و حق نگرهائي است بواسطه آن برتري «نيرو و عقل» كه خدا بعضي را بر بعضي مقرر داشته و هم بواسطه آنكه مردان از مال خود به زنان نفقه ميدهند. پس زنان شايسته و مطيع در غيبت مردان حافظ حقوق شوهران باشند و آنچه را كه خدا به حفظ آن امر فرموده نگهدارند. زنانيكه از مخالفت و نافرمانتي آنها بيمناكيد بايد آنها را موعظه كنيد اگر مطيع نشدند از خوابگاه آنان دوري گزينيد باز مطيع نشدند آنها را به زدن تشبيه كنيد.

۵- سوره بيست وسوم «المومنون» آيه هاي ۵ و ۶:

و آنان كه فروج و اندام شان را از عمل حرام نگاه ميدارند مگر با جفتهايشان كه زنان عقدي آنها باشند يا كنيزان ملكي متصرفي آنها كه همچگونه ملامتي در مباشرت اين زنان بر آنها نيست.

۶- سوره دوم «البقره» آيه ۲۲۰:

با زنان مشرك ازدواج مكنيد مگر آنكه ايمان آورند همانا كنيزكي زيبا با ايمان بهتر از زن آزاد مشرك است هر چند كه از حسن او بشگفت آبي ... زن به مشركان مدهيد مگر كه ايمان آورند همانا بنده مومن بهتر از آزاد مشرك است هر چند از مال و جمالش بشگفت آبيد.

۷- سوره بيست و چهارم آيه ۳۳:

... و كنيزان خود كه مايلند به عفت زنهار براي طمع مال دنيا جبرا بزنا وادار مكنيد كه هر كس آنها را اكراه بزنا كند خداوند در حق آنها كه مجبور بودند آمرزنده و مهربان است.

درست توجه كنيد، در اين جا پيام الله به كنيز در بند مالك اين است كه اگر مالك تو، تو را بزور وادار بر زنا كند نترس، زنا بده من تو را مي بخشم. ولي براي مالك كنيز كه پول تن فروشي او را بر جيب ميزند كوچكترين كيفري پيش بيني نكرده و نميكنند.

آیا آیه هایی که زیر شماره ۳ و ۶ و ۷ بگوش شما رسید پروانه بی قید و شرط همبستر شدن مالک با کنیزان و غلامان و بردگان نیست؟

۸- سوره بیست و چهارم «النور» آیه ۳۳:

و از بردگانتان آنانکه تقاضای مکاتبه کنند (یعنی خواهند که خود را از مولا به مبلغی مشروط یا مطلق خریداری کنند) تقاضای آنها را اگر خیر و صلاحی در ایشان مشاهده کنید بپذیرید.

۹- سوره سی ام «الروم» آیه ۲۸:

خدا برای هدایت شما از عالم خود مثلی زده آیا هیچیک از غلام و کنیزان ملکی شما در آنچه از مال و حقوق و مقام که ما روزی شما گردانیدیم با شما شریک هستند؟ تا شما و آنها در آن چیز بی هیچ مزیت مساوی باشید و همان قدر بیمی که شما از نفوس خود دارید هم از آنان دارید؟ هرگز ندارید و هیچ آنها را شریک و مساوی خود نمیدانید.

۱۰- شگفتا که بردگی و بندگی و غلامی و کنیزی در اسلام تنها ویژه نامسلمانان نیست برخی از مردان مومن و زنان مومنه مسلمان نیز در شمار بردگان و غلامان و کنیزان هستند به این آیه نگاه کنید.

سوره چهارم آیه ۹۲:

هیچ مومنی را نرسد که مومنی را به قتل رساند مگر آنکه به اشتباه و خطا مرتکب آن شود در صورتیکه به خطا هم مومنی را مقتول ساخت باید به کفاره این خطا بنده مومنی را آزاد کند و خونبهای آنرا به صاحب خون تسلیم نماید... اگر این مقتول با آنکه مومن است از قومی است که با شما دشمن و محاربت در اینصورت قاتل دیه ندهد لیکن بر اوست که بنده مومنی را آزاد کند... و دهها آیه های دیگر این چنینی آمده در تازی نامه که همه و همه نمایانگر بنده داری غلام بارگی کنیزبازی به مالکیت و تصرف در آوردن زنان همسر دار و دختران و مردان بگونه هرکالای دلخواه میباشد.

روش زشت کنیزبازی و غلام بارگی اسلامی که جوانان زیبا روی را اخته میکردند و بدرون رختخواب آیت الله ها می کشانیدند. شوربختانه تا زمان پادشاهان مغل قاجار در سرزمین ما سایه شومش را افکنده بود تا در سال ۱۸۷۸ ترسای برغم مخالفت شدید آیت الله ها، دولت قاجاریه که ناگزیر بر پذیرفتن قانون منع برده داری شده بود به کنوانسیون ژنو پیوست تا این لکه ننگ اسلامی از تاریخ ایران زدوده شد. و گر نه امروز حرمسراهای آخوندهای چیره شده بر میهن ما مملو از نوجوانان زیبا روی اخته شده بود.

در پی تصویب چنین قانونی از سوی نامسلمانان اروپایی بود که پسران نوجوان زیبا روی ایرانی از اخته شدن و رفتن بدرون رختخواب آیت الله ها و پادشاهان مغل قجر و مرشدان کامل شیعه مذهب صفوی رهایی یافتند.

در این باره کتاب قابوسنامه «عنصرالمعالی قابوس بن وشمگیر» باب بیست و سوم - و رستم التواریخ نوشته محمدهاشم آصف «رستم الحکما» به اهتمام محمدمشیری، برگهای ۱۰۷ تا ۱۱۴ و ۱۴۷ بویژه ۲۰۰ و ۲۰۱ و تاریخ اجتماعی ایران نوشته مرتضی راوندی پوشینه سوم چاپ سوم بازبینی شده پیش از چیرگی آخوندها برگهای ۵۳۳ و ۵۶۰ تا ۵۶۲ و همچنین دفتر پژوهش در زندگی علی نماد شیعه گری نوشته آله دال فک برگهای از ۱۹۹ تا ۲۰۳ برای نمونه را بخوانید که از مسلمانی و پیام الله آمده در تازی نامه، عرق شرم بر پیشانی هر مسلمان می نشیند.

با نگاهی ساده و بدور از کوردلی تازی پرستی بر این آیات قرآنی و دهها آیه دیگر ، اگر بپذیریم که امام علی و فرزندش امام حسین و دیگر یاران او که در دشت کربلا کشته شدند بدرستی در راه آزادی اندیشه و از میان برداشتن بردگی و بندگی و غلامی و کنیزی و دیگر نابرابریها سر و جان باخته اند؟

باید چشم بسته این درستی را بپذیریم که قرآن و آرمان اسلام ناب محمدی را زیر پا نهاده و مسلمان نبوده اند.

اگر بپذیریم که در راه بکار بستن دستورات اسلام و قرآن جنگیده و سر و جان خود را در راه آن از دست داده اند، باید آگاهانه و خردمندانه بپذیریم که بردشمنی با آزادی و زنده نگاهداشتن بندگی، بردگی، غلام بارگی و کنیزبازی و و جنگیده اند که نه تنها در خورستایش نیستند که در خور همه گونه سرزنش هم هستند، فروزه سرور آزادگان و سالار شهیدان را هم بدنام و آلوده کرده اند که این بدنامی باید از روی آن فروزه ها برداشته شود.

داوري خردمندانه بدور از هرگونه كوردلي تازي پرستي پس از نگرش آیات كلام الله و بن مایه هاي آمده در نسكهاي یاد شده با شنوندگان است.

با ارج فروان  
پاینده ایران برافراشته باد درفش کاویانی سرخ و زرد و بنفش  
پاسداران فرهنگ ایران .پاریس.آله دال فك

تاریخ ۲۹ فروردین ماه/۲۷۱۱  
۱۸ آوریل ۲۰۰۳

درفش کاویانی



[/http://derafsh-kaviyani.com/parsi](http://derafsh-kaviyani.com/parsi)

derafsh-kaviyani.com